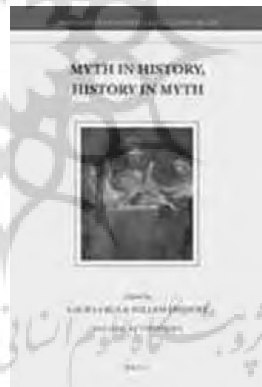


اسطوره در تاریخ تاریخ در اسطوره

• علیرضا گودرزی



- Myth in History, History in Myth
- Laura Cruz, Willem Frijhoff
- BRILL, 2008

در لغت‌نامه‌های فارسی برای اسطوره دو معنی افسانه و قصه، و سخن‌پریشان را به کار برده‌اند. از معنی اول چنین استنباط می‌گردد که اسطوره دخل و رابطه‌ای به واقعیت ندارد بلکه همه سراسر افسانه‌های دروغین و قصه و سرگرمی است. و معنی دوم حاکی از رویدادهایی است که به طور معمول در اسطوره رخ می‌دهند و عموماً قابل اعتماد نیستند و این استنباط را القا می‌کند که به اسطوره نباید توجه کرد. درباب اسطوره می‌توان به تعاریف متفاوتی اشاره کرد که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. اسطوره داستانی است که در اعصار قدیم برای مردمان وقت معنایی حقیقی داشته، ولی امروزه در معنای لفظی و اولیه‌ی خود حقیقت محسوب نمی‌شود. به دیگر سخن، اسطوره زمانی history یعنی تاریخ بوده (معمولاً تاریخ مقدس) اما امروزه به صورت Story یعنی داستان فهمیده می‌شود. به دیگر سخن بر اثر مرور زمان و انتقال نسل به نسل اساطیر، یک سری اضافات در آن وارد آمده و به مرور زمان از تاریخ به داستان، قصه و افسانه تغییر پیدا کرده است. در تعریف دیگری، اسطوره‌شناسی دانشی است که به بررسی روابط میان اسطوره‌ها و جایگاه آن‌ها در دنیای معاصر می‌پردازد.^۲ حضور اساطیر در دنیای معاصر نشان از جایگاه والای اساطیر و شخصیت‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای در ذهن و زندگی و فرهنگ مردم می‌باشد. این اساطیر تا وقتی در زندگی این مردمان نمود داشته باشند استعمال و در غیر این صورت از حافظه مردم به مرور زمان پاک و رد پای آن‌ها را باید در کتاب‌های تاریخی و ادبی جست. پژوهشگران اساطیر، در پی گذر از ظاهر و پوسته اسطوره به باطن و مغز آن، و نتیجتاً در پی دستیابی به نمادها و نشانه‌های رازگونه زبان اسطوره می‌باشند. عده‌ای از محققان اسطوره به هم‌سویی باستان‌شناسی و زبان‌های باستانی اشاره و به کارایی آن در دیرینه‌شناسی فرهنگی انسان‌ها تأکید می‌کنند. بدین سان که با کنکاش در اساطیر، گذشته از روشن ساختن بخش‌های تاریخ، می‌توان به بخش‌های تاریخ نهاد و روان خود نیز دست پیدا کرد.^۳

تاریخچه‌ی اسطوره‌شناسی

به نظر هر چه به زمان‌های عقب‌تر برگردیم، نمود اساطیر را در زندگی مردمان وقت بیشتر مشاهده می‌کنیم. با گذشت زمان بسیاری از اساطیر از حافظه مردمان پاک و معدودی از آن‌ها در طول زمان ادامه تا به زمان ما رسیدند. به دلیل این که برای اساطیر تاریخ مشخصی نمی‌توان فرض کرد و هر دوره‌ی زمانی برای خود اساطیری داشته که نسل به نسل از اجداد خود به ارث برده‌اند

از آنجا که برای اساطیر تاریخ مشخصی نمی‌توان فرض کرد و هر دوره‌ی زمانی برای خود اساطیری داشته که نسل به نسل از اجداد خود به ارث برده‌اند، تاریخچه‌ی اسطوره را نیز می‌توان به قدمت خود اسطوره فرض کرد

اسطوره در تاریخ

می‌پردازند. از جمله این پژوهشگران جلال ستاری است که در این زمینه تألیفات و ترجمه‌هایی دارد. از جمله این آثار می‌توان به اسطوره در جهان امروز، اسطوره و رمز در اندیشه‌ی میرچا الیاده، مجموعه مقالات اسطوره و رمز، پیوندهای ایرانی و اسلامی اسطوره پارزیفال، چهار سیمای اسطوره‌ای، جهان اسطوره‌شناسی، و دانش اساطیر اشاره کرد.

رویکردهای اسطوره

مردمان باستانی و کنونی به چه نحوی به اساطیر خود نگاه می‌کنند؟ این نگاه تا چه اندازه القا شده و تا چه اندازه برداشت شخصی فرد نسبت به اسطوره است؟ اصولاً از زمانی که اساطیر در زندگی مردمان دیده می‌شود، رویکرد و نگاه به آن نیز دیده می‌شود. در این راستا قدمت نگاه به اسطوره به اندازه خود اسطوره است. در مجموع می‌توان سه رویکرد مهم تمثیل گرایانه، تاریخی، و عقلی را برای اساطیر قائل شد. در این رابطه اولین رویکردی که به اساطیر نگاه می‌شد، رویکرد تمثیل گرایانه بود که تا قرن ۱۸ میلادی که رویکرد عقلانی روی کار آمد، هم‌چنان ادامه یافت. این رویکرد نیز به نوبه خود ادامه یافت تا این که در قرن ۱۹ میلادی نگاهی علمی و دگرگون به اساطیر شد. از دلایل مهم نگاه علمی به اسطوره، پیشرفت برخی رشته‌های علوم انسانی هم‌چون علوم اجتماعی است. رشد و پیشرفت فلسفه، و انسان‌شناسی نیز تأثیر زیادی بر اسطوره‌شناسی و توجه بیشتر به آن داشت. اطلاعات رد و بدل شده در این دوره توسط سیاحان، در تهیه کردن مواد خام اولیه اسطوره نقش زیادی داشته و باعث ایجاد رویکرد تازه‌ای به اسطوره گردید. در اواسط قرن ۲۰ رویکرد ساختارگرایی روی کار آمد و باعث شروع جریان‌های تازه‌ای در اسطوره‌شناسی شد. ورود این رویکرد در اسطوره‌شناسی نقش اساسی در ارتقای کیفی و کمی بنیادهای اسطوره داشت که حاصل ارتباط اسطوره با برخی رشته‌های علوم انسانی می‌باشد.

بعد از اشاره مختصری به تعریف اسطوره و تاریخچه و رویکردهای مرتبط به آن، در ادامه برانیم به معرفی کتاب تاریخ اسطوره، اسطوره تاریخ و مباحث مطرح شده در آن در باب اسطوره بپردازیم.

کتاب اسطوره تاریخ، تاریخ اسطوره (Myth in History, History in Myth) در راستای سومین کنفرانس بین‌المللی انجمن تاریخ هلند که در ۵ و ۶ June سال ۲۰۰۶ در نیویورک برگزار گردید، توسط لورا کروز (Laura Cruz) و ویلم فریژف (Willem Frijhoff) جمع‌آوری، و در انتشاراتی BRILL منتشر گردید. محورهای مورد بحث در این کتاب همان‌طور که در ادامه دیده می‌شود، تاریخ، جنبه‌های سیاسی و اجتماعی اساطیر، نقش سیاست و دولت در اسطوره

در نتیجه تاریخچه‌ی اسطوره را نیز می‌توان به قدمت خود اسطوره فرض کرد. نمود مکتوب اشاره به اساطیر را می‌توان در آثار فیلسوفان سده‌های سوم و دوم پیش از میلاد مشاهده نمود. رشد فلسفه در یونان باستان باعث رشد تفسیرهای تمثیلی از اسطوره گشت. از جمله، مفاهیم ژرف و پنهان در متون اساطیری بازشناخته شد. اوهمر از جمله نویسندگان یونانی سده سوم ق.م می‌باشد که معتقد بود ایزدان همان بزرگ مردانی متعال و معزز بودند که نعمت‌های بسیار برای انبای بشر آوردند. اوهمر پایگاهی زمینی برای ایزدان قائل بود و برای اساطیر خاستگاهی تاریخی می‌جست. در قرون وسطی دیدگاه نوینی در اسطوره‌شناسی پدید نیامد. حتی در دوره‌ی نوزایی (رنسانس) نیز تفسیر اسطوره‌ای، تمثیل‌گونه و هنوز در پرتو مکتب اوهمر بود. بررسی و شناخت دقیق اسطوره در غرب از سده‌ی هجدهم میلادی آغاز گردید. بیشتر مطالعات در آن دوره، درباره‌ی اساطیر کلاسیک یونان و روم بود. به همین سبب پژوهندگان سده‌ی ۱۸ میلادی، روش‌های تفسیری ویژه‌ای داشتند. در آغاز سده‌ی ۱۹ میلادی، عده‌ای از محققین اسطوره، شیفته‌ی زبان و فرهنگ هند و اروپایی شدند و در زمینه‌ی تاریخ، فلسفه و اساطیر به مطالعه و تطبیق پرداختند. «فریدریش کروز» در سده‌ی نوزده اسطوره‌شناسی را به‌عنوان یک علم مستقل مطرح و مکتب نمادی یا رمزی را بنیان نهاد و از اسطوره تعابیر نمادین کرد. هم‌زمان با مطرح شدن اسطوره‌شناسی به‌عنوان یک علم، پژوهشگران دیگر علوم از اساطیر معانی و مفاهیم متفاوتی برداشت و به کار می‌گرفتند. عده‌ای هم‌چون «زیگموند فروید» (۱۸۵۶-۱۹۳۹ م) و شاگردش «کارل گوستاو یونگ» (۱۸۷۴-۱۹۶۱ م) از دیدگاه روان‌شناسی به اساطیر نگریستند. مردم‌شناسان، اساطیر را برای شناخت بهتر تمدن‌ها و جوامع و آداب و رسوم آن‌ها بررسی می‌کنند. نویسندگان تاریخ ادیان، اساطیر را برای شناخت عقاید و نظام‌های فکری جوامع پیشین تجزیه و تحلیل می‌کنند. دانش اساطیر با دین و مذهب نیز پیوند می‌خورد، ولی پیداست که این امری ثانوی و تا حدودی خارجی نسبت به گوهر اسطوره‌شناسی است. در واقع آن‌چه جوهر و یا ذات اسطوره محسوب می‌شود این است که اسطوره آفریده‌ی تخیل است و سه جریان در آن دیده می‌شد: تبیین پدیده‌های طبیعت، قصه‌های سرگرم‌کننده، و افسانه‌های پهلوانی.^۷

هم‌زمان با شروع علمی اسطوره‌شناسی در غرب و توجه بسیاری از پژوهشگران به آن، نگاه به اساطیر و تعاریف ارائه شده در باب آن تغییر و به کمک دیگر رشته‌های مرتبط، ساختار علم اسطوره‌شناسی متحول گردید. در ایران این دانش در حال شکل‌گیری است و بعضاً در این زمینه تألیفاتی و ترجمه‌هایی دیده می‌شود. اغلب مترجمان به ترجمه‌ی نتایج مطالعات غربیان در این زمینه

جامعه مدرن و دانش امروزی صورت گرفته است. هم‌چنین در تغییر تعاریف فوق، از بی‌اعتبار دانستن اسطوره، به کشف و توجه دوباره به آن در یک شکل و قالب به حق و شایسته، به عنوان شروع راهی دگر در باب کشف واقعیات و شناخت حقایق از ورای اساطیر می‌پردازد. بر این اساس برخی از نویسندگان، اساطیر را به عنوان مانعی در شناخت دقیق حقایق می‌دانند، این در حالی است که است که عده دیگری از این نویسندگان، نه تنها اساطیر را مانعی در شناخت حقایق تاریخی نمی‌بینند، بلکه آن را راهی در این شناخت می‌دانند. یکی از فرض‌هایی که در باب اساطیر و تاریخ ارائه می‌شود، فرض دوگانگی بین تاریخ و اسطوره است. عده‌ای این فرض را فرضیه ضعیفی در این باب می‌دانند و در اثبات آن اشاره می‌کنند که اگر نیازهای تاریخی ما در برخورد و رفتار با اساطیر و افسانه‌های تاریخی دقیق، صحیح، تصفیه شده، و متعادل باشند، چنین برداشتی از تاریخ و اسطوره صورت نخواهد گرفت. در ادامه به نگاه متفاوت کشورهای توسعه یافته و جهان سوم به اساطیر خود می‌پردازد و به نقش حاکمان در چگونگی شناخت و مانوس کردن موضوعات اساطیری در فرهنگ مردمان تأکید می‌کند (صص ۱-۴). هم‌چنین به پژوهشگران تاریخ اسطوره اشاره می‌کند و خاطر نشان می‌کند که عموم این پژوهشگران از الگوها و نظریات ساختارگرایی در ارائه‌ی آراء و عقاید و تفسیر موضوعات مورد مطالعه خود استفاده می‌کنند. هم‌چنین به دید مردمان اروپایی نسبت به کیهان‌شناسی و اسطوره می‌پردازد و آن را مقدمه‌ای برای شروع جدید تحقیقات تاریخی می‌داند. در ادامه به دیگر کنفرانس‌های در پیاب اسطوره می‌پردازد (هم‌چون کنفرانس ۱۹۷۳) و اشاره می‌کند که نویسندگان این کنفرانس‌ها، داستان‌های تاریخی، تصاویر، حوادث و رویدادها را که نگاه افسانه‌وار به آن‌ها می‌شده است، با کمک سنن تاریخی، تشخیص داده و طبقه‌بندی کرده‌اند (صص ۴-۵). در ادامه اشاره می‌شود تغییر از فهم یک متن نسبت به فهم ارتباط آن به خواننده، در ارتباط با برخی نوشته‌های در باب اساطیر تاریخی، نوعی اغفال خواننده می‌باشد. در این راستا به ارتباط بین نوشته‌های اساطیری و خوانندگان آن‌ها می‌پردازد (صص ۶-۷) و به هدف و انگیزه خوانندگان اساطیر می‌پردازد و اشاره می‌کند که هدف عموم خوانندگان از مطالعه اساطیر، کشف و پیدایی حقایق جهان بشری است. در ادامه به اساطیر برخی کشورهای اروپایی هم‌چون یونان و هلند (کشور محل برگزاری کنفرانس) می‌پردازد و به برخی اساطیر و افسانه‌های این کشورها و نمود عینی آن‌ها در تاریخ و فرهنگشان اشاره می‌کند. در این راستا برخی از پژوهشگران هم‌چون استین اساطیر این کشورها را روزه‌های در بازسازی و تفسیر اجتماعی و نشانه‌ای از اشتیاق به آینده بهتر می‌دانند (صص ۱۲-۸) کروز از دیگر پژوهشگران اساطیر می‌باشد که در باب حوزه پژوهش اسطوره پیشنهاد می‌کند اساطیر در جنبه‌های گوناگون روان‌شناسی بشر پژوهش کند. (صص ۱۳-۱۴) در ادامه به بعضی از پژوهشگرانی که علاقمند به یافتن ارتباط بین تاریخ و اسطوره می‌باشد پرداخته می‌شود. یکی از این پژوهشگران جان بلس (Jan Blanc) می‌باشد که معتقد است ارتباط بین تاریخ و اسطوره به راستی پیچیده و نیازمند به گذر از ظاهر به باطن، و صورت به معنی در جهت شناخت این رابطه می‌باشد. در آخر، به فعالیت‌های این پژوهشگران از جمله بلس در عرصه اساطیر خصوصاً اساطیر کشور هلند می‌پردازد. از جمله این کارها تألیف و ارائه کتابی در باب یکی از ماندگارترین اساطیر تاریخ هلند (درباره‌ی هنرمندی اسطوره‌ای به نام Rembrandt) می‌باشد (صص ۱۴-۱۶)



می‌باشد. مطالعه موردی موارد فوق بر روی کشور هلند است.

در اولین بخش این کتاب تحت عنوان اسطوره تاریخ، تاریخ اسطوره (Myth in History, History in Myth) نوشته لورا کروز (Laura Cruz) و ویلم فریثف (Willem Frijhoff) نویسندگان به بحث در باب تاریخ، اسطوره، و ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد.

در ابتدا اشاره می‌شود که بعضی از تعاریف ارائه شده در باب اسطوره، از خود اسطوره میهم‌تر و اغفال‌کننده‌تر است. در ادامه به برخی از تعاریف مطرح در باب اسطوره می‌پردازد:

از فرهنگ لغت هلندی Van Dale: «بیان علت خلقت عالم وجود، تاریخ بی اساس، نمایش بی اساس افراد، اشیاء، و موضوعاتی که دقیق و درست برداشت نمی‌شوند».

در فرهنگ لغت مشابه دیگری اسطوره را چنین تعریف می‌کند:

«روایت سنن ملی انسان‌ها درباره‌ی مذهب، جهان‌بینی، تاریخ انسان‌ها و خدایان»

در فرهنگ لغت دیگری:

«تاریخ بی‌اساس، افسانه و دروغ»

در ادامه به تفاوت بین این تعاریف و جایگاه آن‌ها در درک و شناخت اسطوره می‌پردازد و به انتقاد از نویسندگانی که بین دروغ و اسطوره، تفاوت قائل نیستند می‌پردازد و با تأکید بر تفاوت آشکار بین دروغ و اسطوره، تفاوت بین تعاریف فوق و گذر از تعریف اسطوره به معنی «افسانه و دروغ» به تعریف اسطوره به معنی «روایت سنن ملی انسان‌ها...» اشاره می‌کند که این تحول، با گذشت زمان و مطالعه بر روی اساطیر صورت گرفته است. در ادامه اشاره می‌شود که در این تعاریف پیشرفت مهمی در نگرش به آینده اساطیر و فهم کاربرد آن در



در مبحث دیگری با محوریت هلند در قرن ۱۷م و اساطیر هلند که توسط **دونالد هارلد** (Donald J. Harreld) نوشته شده است، با اشاره مختصری به تاریخ هلند و تقسیمات سیاسی آن، به جایگاه اسطوره در ذهنیت مردمان این عصر، به اساطیر هلند و معرفی شخصیت های اساطیری و هنرمندان آن ها می پردازد (صص ۱۷ - ۳۳). از دیگر مباحث طرح شده در این کتاب می توان به مبحث اساطیر پرتقال، نوشته ی **Jill Stern**، (صص ۳۳ - ۵۲)، اسطوره و تاریخ در کشورهای ضعیف قرن ۱۶م، نوشته ی **Jac Geurts** (صص ۵۳ - ۸۶) تصویری از شخصیت های اساطیری کشورهای غربی خصوصاً هلند از **Kimberlee Blazzard - Cloutier** (صص ۸۷ - ۱۱۶)، اساطیر رمزی نوشته **Willem Frijhoff** (صص ۱۱۷ - ۱۴۶)، قوانین بین المللی و زندگی ملی: اساطیر بی طرف نوشته ی **Hubert P.van Tuyl** (صص ۱۴۷ - ۱۵۸)، نقش اساطیر میهن پرستی در دوره ی طلایی هلند نوشته ی **Laura Cruz** (صص ۱۵۹ - ۱۷۴)، تاریخ و اسطوره هلند نوشته ی **Johan Joor** (صص ۱۷۵ - ۲۰۰)، یزدان شناسی و اساطیر تاریخی نوشته **Theodor Dunkelgrun** (صص ۲۰۱ - ۲۳۶)، **Rembrandt** (هنرمند اساطیری هلند) و تفسیر تاریخی اش درباره ی کلودیوس اول (**Claudius Civilis**) نوشته ی **Jan Blanc** (صص ۲۳۷ - ۲۵۴) اشاره کرد.

جمع بندی

اسطوره پدیده ای که در میان مردم معانی و تعاریف گوناگونی به خود گرفته است و هر کس از آن بنا بر سطح فهم خویش و انتظاری که از آن دارد تعریف ارائه نموده است. در مجموع می توان اساطیر را داستان و توصیف مردمان روزگار باستان از جهان و جامعه پیرامون خود تعریف نمود که به مرور زمان از تاریخ به داستان تبدیل شده است. اسطوره ماجرابی است مقدس که بیانگر این حقیقت است که خاستگاه انسان را به کنکاش بگیرد و جایگاه او را در جهان تثبیت کند. اسطوره ها تا زمانی که با زندگی محسوس و عملی جامعه خود مربوط باشند در میان توده های مردم حیات دارند، و اگر با این شرایط تطبیق نکنند، از زندگی توده های مردم خارج می شوند و از آن به بعد در ادبیات، فرهنگ و غیره می توانند وارد بشوند و ادامه ی حیات بدهند. می توان یکی از دلایل وجودی اسطوره را عدم اطلاع مردمان آن روزگار از واقعیت های مسأله دانست. در واقع اسطوره ها واکنشی از ضعف های بشری در برابر درماندگی و ناتوانایی است و از تجسم احساساتی که انسان ها نسبت به امور نامطلوب دارند به وجود می آید. به عبارت دیگر انسان ها هنگامی که اسطوره را تکرار می کنند، آرامش می یابند و گاهی هم عقده های خود را با آن تسکین می دهد. این اساطیر و افسانه ها سینه به سینه و نسل به نسل ادامه پیدا می کند تا این که در دوره های زمانی افسانه سرایی و اسطوره سازی جای خود را به افسانه و اسطوره نویسی می دهد. شروع این دوره نیز در کشورهای مختلف متفاوت است.

پی نوشت

۱. شمیسا، سیروس، بیان، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص ۲۴۱.
۲. واحد دوست، مهوش، رویکردهای علمی به اسطوره شناسی، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۲۶.
۳. همان.

۴. اسماعیل پور، ابوالقاسم، اسطوره بیان نمادین، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۴۳.
۵. جنبه ی روان شناسی اسطوره را می توان در آثار فروید و شاگردش یونگ مشاهده نمود. **فروید** برای معرفی یکی از بیماری های روانی از یکی از شخصیت های اساطیری یونان به نام ادیب برای تشریح آن استفاده می کند و در نهایت از آن بیماری نیز به نام عقده ادیب نام می برد. در اساطیر یونانی شخصی به نام ادیب دیده می شود که برای ازدواج با مادر خود، پدرش را می کشد و بدین وسیله با مادر خود ازدواج می کند. در تشریح این بیماری اشاره می کند که بشر از او ان زندگی تا کنون نسبت به پدر خود حسادت داشته و از این که پدر، مادر را تحت سلطه خود در آورده رنج می برد. فروید این مشکل را که از ابتدا تا کنون در میان جوامع انسانی وجود داشته تحت عنوان **عقده ی ادیب** معرفی می کند. یونگ از دیگر روانشناسان نامی و شاگرد فروید است که از جنبه ی دیگری به اساطیر و جوامع گذشته نگاه می کند. این دانشمند در نظریه کهن الگوهای خود، اشاره می کند که علاوه بر تجربیات کنونی و عینی ما، یک سری تجربیات باستانی نیز در زندگی ما دیده می شود که به صورت ناخودآگاه در ما دیده می شوند. این تجربیات به صورت نسل به نسل ادامه یافتند تا به دوره ی ما رسیدند. نمود این نوع تجربیات بیشتر در خواب و روایات ما مشخص است. از جمله این کهن الگوها می توان به مادر، پدر، مرگ و غیره اشاره کرد که رد پای آن ها بیشتر در اساطیر و افسانه های ملل مختلف مشخص است (شولتز، دون، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، انتشارات ویرایش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۷)
۶. همان، ص ۴۲.
۷. انوشه، حسن، **دانشنامه ی زبان فارسی**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶، ص ۹۱.
۸. باستید، روزه، **دانش اساطیر**، ترجمه ی جلال ستاری، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۵، چاپ اول، ص ۲۱.